



بخشش ۲ قاتل در قزوین
۲ نفر که به اتهام قتل به قصاص محکوم شده بودند با گذشت اولیای دم از مجازات نجات پیدا کردند. این ۲ نفر چند سال قبل در قزوین مرتکب قتل شده بودند و با تأیید حکمشان در دیوان عالی کشور در یک قدمی چوبه دار قرار داشتند اما با اعلام گذشت اولیای دم از قصاص نجات پیدا کردند.

رویداد

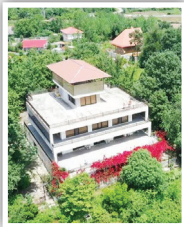
پایان فرار سارقان مسلح ۴ کیلو طلا

۵ مرد مسلح که با تهدید و ضرب و شتم مرد طلا فروش، بیش از ۴ کیلو طلا به سرقت برده بودند، دستگیر شدند. به گزارش همشهری، چند وقت قبل یک طلا فروش به اداره پلیس رفت و گفت ۵ مرد مسلح به سمت او هجوم برده و حدود ۴ و نیم کیلو طلایی را که همراهش بوده به سرقت برده اند.

او توضیح داد: یکی از مشتریان قدیمی من سفارش بیش از ۴ کیلو طلا داد و برای تحویل آنها با من در خیابانی خلوت واقع در جنوب غرب تهران قرار گذاشت. وقتی برای تحویل طلا و گرفتن پول رفتم، ناگهان او به همراه ۴ مرد دیگر به سمت هجوم آورده و با تهدید کلت و قمه طلاهایی که همراه داشتم را به سرقت بردند.

با این شکایت، تحقیقات آغاز شد و هر ۵ مرد مسلح به دام افتادند. آنها به سرقت مسلحانه اقرار کردند و باز پرس دادسرای ویژه سرقت برای هر ۵ مرد به اتهام مشارکت در سرقت مسلحانه کیفرخواست صادر کرد.

توقیف ویلای علی کریمی در لاهیجان



در ادامه روند توقیف اموال وطن فروشان، قوه قضاییه از توقیف ویلایی لوکس متعلق به علی کریمی در لاهیجان خبر داد.

به گزارش همشهری، به نقل از مرکز رسانه قوه قضاییه، به دنبال حمله دشمن به

کشور، در راستای اجرای قانون تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی اموال شمار زیادی از افرادی که از دشمن حمایت کرده بودند به نفع مردم توقیف شد.

یکی از این افراد علی کریمی، بازیکن سابق فوتبال است که در هفته‌های گذشته بخشی از املاک او در استان البرز توقیف شده بود. به تازگی نیز اموال جدیدی از او شناسایی و دستورات توقیف آنها صادر شده است. ملک شناسایی شده ویلایی ۳ طبقه به متراژ ۱۱۵۰ متر مربع در لاهیجان است. همچنین از این فرد چند خط تلفن همراه با شماره‌های رند شناسایی شده است. پیش از این نیز ۲ واحد تجاری و ۴ واحد مسکونی متعلق به علی کریمی توقیف شده بود.



پایان اخاذی خواستگار شیاد
پسر شیادی که به خواستگاری دختری جوان رفته بود بعد از جلب اعتماد او به بهانه انتشار تصاویر خصوصی شروع به اخاذی کرد. رسیدگی به این پرونده از چند روز قبل با شکایت دختر جوان توسط مأموران پلیس اطلاعات قاتل آغاز شد و مأموران موفق شدند خواستگار شیاد را در مخفیگاهش واقع در شهران بازداشت کنند.

زیرودن دختر جواهر فروش برای اخاذی میلیاردری

دختر جوان ۲۲ ساعت در سوله مترو که زندانی بود

گزارش

الیه فراهانی روزنامه نگار | مجرم سابقه دار، ۳ روز دختر جواهر فروشی را گروگان گرفت تا دست به اخاذی میلیاردری از خانواده‌اش بزند اما در نهایت، گروگان را در صندوق عقب خودرواش جا گذاشت.

به گزارش همشهری، چند روز قبل خانواده دختر ۲۰ ساله‌ای به نام الناز با نگرانی و اضطراب خود را به اداره پلیس تهران رساندند و از ناپدید شدن او خبر دادند. پدر الناز که جواهر فروش است، در شکایت خود گفت: دخترم برای رفتن به کلاس زبان، از خانه بیرون رفت اما دیگر برنگشت. چند ساعت بعد مرد ناشناسی با من تماس گرفت و گفت الناز پیش اوست. او برای آزادی دخترم ۲ میلیارد تومان پول خواست و تهدید کرد اگر موضوع را به پلیس خبر بدهیم، جان دخترم را می‌گیرد.

با دریافت این شکایت، پرونده‌ای با موضوع آدم‌ربایی تشکیل شد و تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی تهران برای رسیدگی به

گفت و گو

بدشناسی آوردم
گر و گانگیبر، می‌گوید در زندگی همیشه بدشناسی آورده و این بار هم در یک قدمی رسیدن به پول گیر افتاده است.

بروندهات نشان می‌دهد که سوابق زیادی

داری؟
بله، چندبار به جرم سرقت و درگیری دستگیر شده‌ام و زندان رفتم. نمی‌خواهم انکار کنم. زندگی‌ام از یک جایی به بعد از مسیر درست خارج شد.

چرا سراغ سرقت رفتی؟
پدرم فوت کرده و خرج خانه روی دوش من بود. فروشنده یک مغازه بودم، اما در آمد کم بود. همیشه حس می‌کردم عقب‌مانده‌ام. بعد هم با پام به جمع‌هایی باز شدم که قمار می‌کردند. همان‌جا بدهی بالا آوردم و برای جبران، دست به سرقت زدم. البته حضور مینا هم در این ماجرا تاثیر داشت.

مینا کیست؟

دختری که چند سال قبل عاشقش شدم! او خیلی بلندپرواز و

دیگر تصادف کرد. در آن لحظه، او که تنها به راهایی از محصه فکر می‌کرد، الناز را با دست و پای بسته در صندوق عقب خودرو رها کرد و از صحنه گریخت. وقتی شاهدان در صحنه تصادف جمع شدند، با دیدن فرار راننده تعجب کردند. سپس صدای فریاد کمک‌خواهی دختری را داخل صندوق عقب شنیدند. مردم با باز کردن در صندوق عقب ماشین با دختری مواجه شدند که دست و پایش بسته بود و او را نجات دادند.

گروگانگیری ۲۲ ساعته

کمی بعد که پلیس به محل تصادف رسید، الناز ماجرای گروگانگیری را برایشان تعریف کرد. او توضیح داد: من مدتی قبل از طریق فضای مجازی با پسری به نام امید آشنا شدم. فکر می‌کردم آدم موفقی است و وضع مالی خوبی دارد اما بعد فهمیدم خلافکار است و سابقه سرقت و قمار دارد. وقتی به

پول و ظاهر زندگی برایش مهم بود. من هم می‌خواستم خودم را به او ثابت کنم. رفتم سمت قمار و بعد سرقت. وقتی گرفتار شدم، او هم رفت.

با الناز دختری که گروگان گرفتاری چطور آشنا شدی؟

در اینستاگرام، اول معمولی پیام دادم. کم‌کم صحبت‌مان بیشتر شد. فهمیدم پدرش جواهر فروش است و خانواده‌اش وضع مالی خوبی دارند. اول واقعا می‌خواستم با او دواج کنم. اما وقتی فهمیدم سابقه دارم، همه نقشه‌هایم به هم ریخت. راستش من اصلا آدم خوش‌شانسی نیستم.

آزارش داری؟

نه. قبول دارم او را ترساندم و زندانی‌اش کردم، اما به او آسیب نز نسازم. فکر می‌کردم پدرش به راحتی پول را پرداخت می‌کند. مبلغ را هم خیلی بالا نگفتم که راحت جور کند و پای پلیس را به ماجرا نکشاند اما باز بدشناسی آوردم و پای پلیس به ماجرا باز شد.



روز چرا چه اتفاقی افتاد؟

قرار بود خانواده‌اش بسول بیاورند. الناز را سوار ماشین کردم. می‌خواستم سر قرار، پول را که گرفتیم او را آزاد کنم. اما وقتی رسیدم، حس کردم اوضاع طبیعی نیست.

چطور متوجه حضور پلیس شدی؟

چند نفر را دیدم که رفتارشان عادی نبود. یکی از ماشین‌ها هم چندبار جا به جا شد. ترسیدم. حس کردم پلیس آنجا است. مطمئن نبودم، اما همان شک کافی بود.

بعد چه کردی؟

فرار کردم. هول شده بودم. حواسم به رانندگی نبود و یا ۲ ماشین تصادف کردم. وقتی دیدم ماشین دیگر قابل حرکت نیست، پیاده فرار کردم.

داخلی

زن جوان، راننده خودروی پر از تریاک بود



مأموران پلیس در جریان بازرسی خودرویی که راننده آن زن جوانی بود موفق شدند ۶۲ کیلو تریاک را که جاسازی شده بود کشف کنند. به گزارش همشهری، شامگاه دوشنبه مأموران پلیس شهریار واقع

در غرب استان تهران به یک خودروی تیبیا که راننده آن زنی جوان بود مشکوک شدند و به آن دستور ایست دادند. هرچند رفتار راننده عادی بود و در نگاه اول به نظر می‌رسید یک شهروند عادی است اما وقتی مأموران به بازرسی خودرو پرداختند شگفت‌زده شدند. آنها در این خودرو مقدار ۶۲ کیلو تریاک را که به طرز ماهرانه‌ای جاسازی شده بود کشف کردند و به این ترتیب زن جوان بازداشت شد. سرهنگ حسین زلفخانی، جانشین فرماندهی انتظامی غرب استان تهران در این باره گفت: به دنبال کشف این محموله متهم بازداشت شد و تحقیقات تکمیلی در این باره ادامه دارد.

ذخیره بنزین خانه را به آتش کشید

مردی که مقدار زیادی بنزین را در خانه‌اش ذخیره کرده بود تاوان این اشتباه را با سوختن خانه‌اش در آتش پس داد. به گزارش همشهری، این آتش‌سوزی در خانه‌ای واقع در یکی از محله‌های باز اتفاق افتاد. زمانی که آتش‌نشانان به محل حادثه رفتند آتش در حال گسترش بود. با این حال آنها توانستند دقایقی بعد آتش‌سوزی را مهار و از گسترش آن به بخش‌های دیگر ساختمان جلوگیری کنند. در جریان بررسی‌های اولیه مشخص شد مقدار زیادی بنزین در این خانه دپو شده بود که این موضوع علت اصلی آتش‌سوزی اعلام شد. براساس اظهارات مالک ساختمان این میزان سوخت برای استفاده مستأجران که از اتباع خارجی بودند نگهداری می‌شد. در ادامه این عملیات آتش‌نشانان باقیمانده بنزین‌هایی را که همچنان آنجا وجود داشت تخلیه کردند. براساس این گزارش پرونده‌ای قضایی برای بررسی ابعاد این حادثه تشکیل شده است.

نگاه

سمیه می‌زاده چاقتیبه*

زباله؛ معدن پنهان قرن بیست و یکم



هر بار که یک بطری پلاستیکی، یک جعبه مقوایی، یک باتری فرسوده یا قطعه‌ای از تجهیزات صنعتی را دور می‌اندازیم، تصور می‌کنیم عمر آن به پایان رسیده است اما واقعیت این است که در همان لحظه، یک جریان جدید در اقتصاد آغاز می‌شود: جریانی که می‌تواند با تکیه بر فناوری‌های نوین، به خلق ارزش، اشتغال، کاهش آلودگی و حتی جذب سرمایه‌های بین‌المللی منجر شود. سال‌هاست که در ادبیات سنتی، نام «پسماند» و «سایعات» را بر این مواد گذاشته‌ایم؛ و از آنجا که ناخودآگاه مفهوم پایان، بی‌ارزشی و دفن شدن را تداعی می‌کند. در قرن بیستم، ثروت عمدتاً از استخراج منابع طبیعی به‌دست می‌آمد؛ اما در قرن بیست و یکم، مزیت رقابتی کشورها در توانایی آنها برای استخراج ارزش از داده‌ها و بازگرداندن مواد به چرخه اقتصاد شکل خواهد گرفت. اقتصاد چرخشی در نقطه مقابل الگوی سنتی «استخراج، تولید، مصرف و دورریز» قرار دارد. در این رویکرد، محصولات و مواد پس از مصرف به پایان مسیر نمی‌رسند، بلکه دوباره با تعمیر و بازیافت به چرخه ارزش‌سازی می‌گردند. تحقق چنین مدلی بدون داده و فناوری‌های نوین تقریباً امکان‌پذیر نیست. در این میان، لجستیک معکوس نقشی کلیدی ایفا می‌کند. اگر زنجیره تأمین سنتی مسئول انتقال کالا از تولیدکننده به مصرف‌کننده است، لجستیک معکوس مسیر بازگشت محصولات، قطعات و مواد مصرف‌شده را به چرخه ارزش‌مدیریت می‌کند. در گذشته این مسیر اغلب پرهزینه، نامشخص و غیرقابل پیش‌بینی بود اما امروز شرکت‌های پیشرو با استفاده از مدل‌های داده‌محور و هوش مصنوعی می‌توانند زمان بازگشت محصولات، محل جمع‌آوری، ارزش اقتصادی مواد بازیافتی و حتی بهترین سناریوی بازتولید یا بازیافت را پیش‌بینی کنند. نتیجه این تحول، کاهش هزینه‌ها، افزایش بهره‌وری و استفاده بهینه از منابع برای کارخانه‌ها و صنایع است برای شهروندان نیز این تحول پیامدهای مثبتی دارد. شهرهای هوشمند آینده تنها شهرهای پاک‌تر نخواهند بود؛ بلکه شهرهایی خواهند بود که برای هر ماده، هر محصول و هر پسماند، یک هویت دیجیتال و یک مسیر بازگشت تعریف کرده‌اند. هفته‌هاست که محضرتان به فرصتی است تا نگاه خود را به مفهوم پسماند بازنگری کنید. شاید مهم‌ترین درس عصر هوش مصنوعی این باشد که ارزش واقعی تنها در مواد فیزیکی نهفته نیست؛ بلکه در داده‌هایی است که به ما کمک می‌کنند این منابع را هوشمندانه مدیریت کنیم.

«دیپ‌انجمن خدمات اقتصاد چرخشی و لجستیک معکوس ایران»



یک خاطره

پیشکسوت هنر رفوگری به یادماندنی‌ترین خاطراتش را اینطور برایمان تعریف می‌کند: «یکی از بافنده‌ها با من تماس گرفت و پای تلفن اشک می‌ریخت. مراحل آخر یافت حاشیه یک قالی ۹ متری بوده و وقتی کارگاه را ترک می‌کنم، بچه‌ها برای بازی به کارگاه می‌روند. حین بازی دست‌نشان به چاقو می‌رود و شیطنت‌شان گل می‌کند و از بالا تا وسط قالی را به ۲ نیمه می‌شکافند. قالی هنوز به دار بود و نمی‌شد به کارگاه بیاورند. خودم بالای سرش رفتم و چله دوم را کشیدم و شروع کردم به رفوگری. چند روز بعد که کار تمام شد، می‌پرسیدند پارگی کجای قالی بود؟»



روایت رنج رفوگری

رفوگری فرش کاشان به دلیل ویژگی‌های فرش‌های این منطقه، تفاوت‌های قابل توجهی با رفوگری سایر فرش‌ها دارد؛ و ویژگی‌هایی که رضا کوسنجیان اینطور برای ما توضیح می‌دهد: «علاوه بر بافت ظریف و گره‌های نامتقارن، فرش کاشان با ترکیب پشم مرغوب با پایه نخ کتان و گاهی پرز ابریشمی بافته می‌شود. الیاف هم با رنگ گیاهی رنگ می‌گیرند تا جلوه و ماندگاری بالاتری داشته باشد. رفوگر، هم باید ساختار مواد الیاف را بشناسد و هم بداند چه نخی با چه گرگی را لحاظ ضخامت و رنگ از انتخاب کند تا پارگی فرش بعد از رفو مشخص نشود.» او می‌گوید که رفوگری از رفق‌لکه‌های سطحی در فرش آغاز می‌شود و بسته به نوع آسیب، تا رسیدن در رفتگی شیرازه، پارگی، پینزدگی، سوختگی و ریشه‌ها را شامل می‌شود. پشت فرش کاشان با هر طرحی از لچک تریج، افشان یا عباسی، با جقه، گلدانی، افشان تریج‌دار یا حاج غلامی که باشد، به شکل مربع‌های یک در یک و منظم است؛ بافتی که هنر بیشتری برای رفوگری می‌خواهد.



درمانگر فرش‌ها

بافنده پیشکسوت فرش کاشان

از هنر دست رفوگران می‌گوید

گزارش

راحله عبدالحسینی | روزنامه نگار | «رفوگری خیلی از فرش‌بافی سخت‌تر است.» این را رضا کوسنجیان، پیشکسوت رفوگری فرش کاشان می‌گوید که از ۱۰ سالگی بای دار قالی نشسته است و حالا که در کوله‌بار خود بیش از ۴ دهه تجربه دارد، فرش کاشان را چنان رفو می‌کند که انگار نه انگار نقص و پارگی در فرش بوده. مهارت بافت فرش کاشان با قدمت ۳ هزار ساله‌اش، چندی پیش در فهرست میراث معنوی یونسکو ثبت جهانی شد و به گفته کوسنجیان، رفوگری فرش کاشان هم هنری میراثی است، زیرا فرش کاشان بافت پیوسته‌تر و ظریف‌تر با گره فارسی (نانتقارن) دارد و یکی از ظریف‌ترین فرش‌های ایرانی شناخته می‌شود. به بهانه ۲۰ خرداد، روز ملی فرش دستباف ایرانی، سری به هنر رفوگری زدیم.

مجنوب نقشه فرش‌ها شدم

کلاس ششم ابتدایی را که تمام کرد، در بازار کاشان راه افتاد تا ببیند کدام اوستا، شاگرد می‌خواهد. دیگر باید مهارتی یاد می‌گرفت و نانی در می‌آورد. رنگ قالی‌های روی هم چیده شده و نقش قالی‌های نیمه‌تمام روی دار، چنان مجذوبش کرد که فهمید می‌خواهد قالی‌بافی را یاد بگیرد. رضا کوسنجیان با لهجه شیرین کاشانی می‌گوید: «۵ سال طول کشید تا از نقشه‌خوانی، چله‌کشی و قالی‌بافی سر در بیاورم و برای خودم اوستای کار شوم. هنوز هم عاشقانه قالی‌بافی و رفوگری می‌کنم.» حالا در کارگاه قالی‌بافی و رفوگری‌اش دست‌کم ۱۲ نفر مشغول کار هستند.



رفوگری اما برایش داستان دیگری است. او می‌گوید: «باید یک قالی‌باف حرفه‌ای باشی و بعد بروی سراغ رفوگری. کار هر کسی نیست. زحمت و رنج زیادی دارد. هنری است که دیده هم نمی‌شود. رفوگری فرش کاشان بعد از اینکه حساسی به قالی‌بافی مسلط باشی، دست‌کم ۳ سال طول می‌کشد.»

او قالی کاشان از بافت تا رفوگری را یک سرمایه فرهنگی و هنری می‌داند و می‌گوید: «رفوگری مثل بازآفرینی هنر ملی ماست که آوازه جهانی هم دارد.»

